

« زیارت غدیریه »

زیارتی است که به سندهای معتبر از حضرت هادی(علیه السلام) نقل شده است که با آن زیارت حضرت امیرمؤمنان را در روز غدیر در سالی که معتصم آن حضرت را طلبیده بود زیارت کرد و کیفیت آن به این شیوه و روش است:

چون اراده زیارت کنی بر بارگاه نورانی بایست و رخصت بخواه و شیخ شهید گفته: غسل می کنی و پاک ترین جامه های خود را می پوشی و اذن دخول می طلبی و می گویی

السَّلَامُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ، خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَسَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، وَصَفْوَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، أَمِينِ اللَّهِ عَلَيَّ وَحِيهِ وَعِزَائِمِ أَمْرِهِ، وَالْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ، وَالْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ، وَالْمُهَيِّمِ عَلَيَّ ذَلِكَ كُلَّهُ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ وَصَلَوَاتِهِ وَتَحِيَّاتِهِ.

سلام بر محمد رسول خدا، خاتم پیامبران و سرور رسولان و برگزیده پروردگار جهانیان، امین خدا بر وحی اش و اراده های قطعی الهی و ختم کننده آنچه گذشته و گشاینده آنچه خواهد آمد و نگهدار بر همه این ها و رحمت و برکات و درودها و تحیات خدا بر او باد.

السَّلَامُ عَلَيَّ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، وَمَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَسَيِّدَ الْوَصِيِّينَ، وَوَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ، وَوَلِيَّ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَمَوْلَايَ وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَسَفِيرَهُ فِي خَلْقِهِ، وَحُجَّتَهُ الْبَالِغَةَ عَلَيَّ عِبَادِهِ

سلام بر پیامبران خدا و رسولانش و فرشتگان مقرب و بندگان شایسته اش. سلام بر تو ای امیرمؤمنان و سرور جانشینان و وارث دانش پیامبران و ولی پروردگار جهانیان و مولای من و مولای مؤمنان و رحمت و برکات خدا بر او باد. سلام بر تو ای مولای من ای امیرمؤمنان، ای امین خدا بر روی زمینش و سفیر او در آفریده هایش و حجت رسایش بر بندگان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دِينَ اللَّهِ الْقَوِيمَ، وَصِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ . السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْعَظِيمُ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ وَعَنْهُ يُسْأَلُونَ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، آمَنْتَ بِاللَّهِ وَهُمْ مُشْرِكُونَ، وَصَدَّقْتَ بِالْحَقِّ

وَهُمْ مُكذَّبُونَ، وَجَاهَدَتْ فِي اللَّهِ وَهُمْ مُحْجَمُونَ ، وَعَبَدَتْ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ صَابِراً مُحْتَسِباً حَتَّى
آتَاكَ الْيَقِينَ، أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ

سلام بر تو ای دین برافراشته خدا و راه راستش، سلام بر تو ای خبر بزرگی که آن‌ها در آن اختلاف کردند و از آن بازخواست شوند، سلام بر تو ای امیرمؤمنان، به خدا ایمان آوردی، درحالی که مردم همه شرک می‌ورزیدند و حق را تصدیق کردی وقتی که آنان، آن را تکذیب می‌نمودند و جهاد کردی و آنان از جهاد عقب‌نشینی می‌کردند، خدا را عبادت کردی، درحالی که برای او عبادت را خالص کردی، صبر کردی و به حساب خدا گذاشتی تا مرگ به سویت آمد، آگاه باشید لعنت خدا بر ستمکاران.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُسْلِمِينَ، وَيَعْسُوبَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ إِمَامَ الْمُتَّقِينَ، وَقَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، وَرَحْمَةً
اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ؛ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ، وَوَصِيَّهُ، وَوَارِثُ عِلْمِهِ، وَأَمِينُهُ عَلَى شَرْعِهِ، وَخَلِيفَتُهُ فِي أُمَّتِهِ،
وَأَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَصَدَّقَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَى نَبِيِّهِ

سلام بر تو ای آقای مسلمانان و رئیس دین و پیشوای پرهیزکاران و مقتدای سپیدرویان و رحمت و برکات خدا بر تو باد؛ گواهی می‌دهم که تویی برادر رسول خدا، جانشین و وارث علمش و امین او بر قانونش و جانشین او در امتش و اول کسی که به خدا ایمان آورد و آنچه را بر پیامبرش نازل شده بود تصدیق کرد

وَأَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ بَلَغَ عَنِ اللَّهِ مَا أَنْزَلَهُ فِيكَ فَصَدَعَ بِأَمْرِهِ، وَأَوْجَبَ عَلَى أُمَّتِهِ فَرَضَ طَاعَتِكَ وَوِلَايَتِكَ،
وَعَقَدَ عَلَيْهِمُ الْبَيْعَةَ لَكَ، وَجَعَلَكَ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ كَذَلِكَ، ثُمَّ أَشْهَدَ اللَّهُ
تَعَالَىٰ عَلَيْهِمْ فَقَالَ: أَلَسْتُ قَدْ بَلَّغْتُ؟ فَقَالُوا: اللَّهُمَّ بَلَىٰ . فَقَالَ: اللَّهُمَّ اشْهَدْ وَكَفَىٰ بِكَ شَهِيداً وَ
حَاكِماً بَيْنَ الْعِبَادِ، فَلَعَنَ اللَّهُ جَا حِدَ وَوِلَايَتِكَ بَعْدَ الْإِقْرَارِ، وَنَاكِثَ عَهْدِكَ بَعْدَ الْمِيثَاقِ

و گواهی می‌دهم که آن حضرت همه آنچه را خدا درباره تو نازل کرد به مردم رساند و امر خدا را درباره تو با صدای بلند اعلام کرد و بر امتش حتمی بودن طاعت و ولایت را واجب نمود و بیعت تو را بر عهده آنان نهاد و حضرتت را نسبت به مؤمنان سزاوارتر از خودشان قرار داد، چنان که خدا خود او را این چنین قرار داد، سپس پیامبر اسلام خدا را بر مردم شاهد گرفت و فرمود: آیا من آن نیستم که رساندم؟ همه گفتند: به خدا آری، پس فرمود: خدایا گواه باش و تو برای گواهی و حاکمیت بین بندگان بسی. پس خدا لعنت کند منکر ولایت را بعد از اقرار و شکننده پیمان را پس از پیمان بستن

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ تَعَالَى وَأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى مُوفٍ لَكَ بِعَهْدِهِ (وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَسِيئَتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا)، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ الْحَقُّ الَّذِي نَطَقَ بِوِلَايَتِكَ التَّنْزِيلُ، وَأَخَذَ لَكَ الْعَهْدَ عَلَى الْأُمَّةِ بِذَلِكَ الرَّسُولِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَعَمَّكَ وَأَخَاكَ الَّذِينَ تَاجَرْتُمُ اللَّهُ بِنُفُوسِكُمْ فَأَنْزَلَ اللَّهُ فِيكُمْ:

و گواهی می‌دهم که تو به عهد خدای تعالی وفا کردی و خدای تعالی وفا کننده به عهد خویش برای توست «و آن که به پیمانی که با خدا بسته وفادار است، یقیناً [خداوند] پاداشی بزرگ به او می‌دهد» و گواهی می‌دهم که تویی امیرمؤمنان آن حقی که قرآن به ولایتت گویا شد و رسول خدا در این زمینه برای تو از امت پیمان گرفت و گواهی می‌دهم که تو و عمو و برادرت کسانی هستید که با خدا با جان‌هایتان معامله کردید، پس خدا این آیه را در حق شما نازل کرد:

(إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَ يُقْتَلُونَ وَعَدَاً عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ الَّذِينَ تَابُوا الْعَاقِبُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النََّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ)

مسلماً خداوند از مؤمنان جان‌ها و اموالشان را به بهای این که بهشت برای آنان باشد خریده، [مؤمنانی که] همواره در راه خدا نبرد می‌کنند، [دشمن را] می‌کشند و [خود] کشته می‌شوند، خداوند برعهده خود در تورات و انجیل و قرآن به آنان وعده بهشت داده؛ وعده‌ای ثابت و درست، چه کسی به عهدش از خدا وفادارتر است؟ پس [ای مؤمنان!] به [این] دادوستدی که با خداوند داشته‌اید خوش حال باشید، این است کامیابی بزرگ! [مؤمنان همان] توبه‌کنندگان، عبادت‌کنندگان، ستایش‌گران، روزه‌داران، رکوع‌کنندگان، سجده‌کنندگان، آمران به معروف، ناهیان از منکر و پاسداران حدود خداوند [ند] و مؤمنان را [به مغفرت و رحمت و بهشت و رضوان] مزده ده

! أَشْهَدُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّ الشَّاكَّ فِيكَ مَا آمَنَ بِالرَّسُولِ الْأَمِينِ، وَأَنَّ الْعَادِلَ بِكَ غَيْرَكَ عَانِدٌ عَنِ الدِّينِ الْقَوِيمِ الَّذِي ارْتَضَاهُ لَنَا رَبُّ الْعَالَمِينَ، وَأَكْمَلَهُ بِوِلَايَتِكَ يَوْمَ الْغَدِيرِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْمَعْنِيُّ بِقَوْلِ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ: (وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ)، صَلَّى اللَّهُ وَأَصَلَّ مِنْ اتَّبَعَ سِوَاكَ وَعِنْدَ عَنِ الْحَقِّ مَنْ عَادَاكَ؛

گواهی می‌دهم ای امیرمؤمنان که شک کننده درباره تو به رسول امین ایمان نیاورده و اینکه روی گرداننده از ولایت تو به ولایت غیر، معاندانه روی گردان از دین است، دین میانه‌ای که پروردگار جهانیان برای ما پسندیده و آن را روز غدیر به ولایت تو کامل نموده است و گواهی می‌دهم که در این گفته خدای عزیز رحیم، مقصود تویی: «و یقیناً این راه مستقیم من است؛ بنابراین از آن پیروی کنید، و پیرو راه‌ها [ی دیگر] نباشید که شما را از راه خدا پراکنده می‌کند»، به خدا سوگند گمراه شد و گمراه کرد کسی که از غیر تو پیروی کرد و کسی که تو را دشمن داشت، از حق روی گرداند؛

اللَّهُمَّ سَمِعْنَا لِأَمْرِكَ وَ أَطَعْنَا، وَ اتَّبَعْنَا صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ، فَاهْدِنَا رَبَّنَا، وَ لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا إِلَى طَاعَتِكَ، وَ اجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ لِأَنْعَمِكَ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَزَلْ لِلْمَهْوَى مُخَالِفًا، وَ لِلتَّقَى مُخَالِفًا، وَ عَلَى كَظْمِ الْغَيْظِ قَادِرًا، وَ عَنِ النَّاسِ عَافِيًا غَافِرًا، وَ إِذَا عُصِيَ اللَّهُ سَاخِطًا، وَ إِذَا أُطِيعَ اللَّهُ رَاضِيًا، وَ بِمَا عَاهَدَ إِلَيْكَ عَامِلًا، رَاعِيًا لِمَا اسْتُحْفِظْتَ، حَافِظًا لِمَا اسْتُودِعْتَ، مُبَلِّغًا مَا حُمِّلْتَ، مُنْتَظِرًا مَا وُعِدْتَ

،خدایا امرت را شنیدیم و اطاعت کردیم و راه راست تو را پیروی نمودیم، پروردگارا ما را هدایت کن و بعد از اینکه ما را به طاعتت هدایت کردی دل‌هایمان را منحرف مساز و ما را از سپاسگزاران نعمت‌هایت قرار ده و گواهی می‌دهم که تو پیوسته با هوای نفس مخالف و با پرهیزگاری هم‌پیمان و به فرو خوردن خشم توانا و گذشت کننده از مردم و عفو کننده آنان بودی و زمانی که خدا معصیت می‌شود خشمناک و هنگامی که اطاعت می‌شود خشنودی؛ به آنچه خدا با تو پیمان بسته بود عمل کننده بودی و آنچه نگهداری‌اش از تو خواسته شده بود رعایت نمودی و آنچه به تو سپرده شده بود حفظ کردی و آنچه از حق بر عهده‌ات نهاده شده بود رساندی و آنچه را به آن وعده داده شدی به انتظار نشستی

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مَا اتَّقَيْتَ ضَارِعًا، وَ لَا أَمْسَكْتَ عَنْ حَقِّكَ جَازِعًا وَ لَا أَحْجَمْتَ عَنْ مُجَاهَدَةِ غَاصِبِيكَ نَاكِلًا، وَ لَا أَظْهَرْتَ الرَّضَى بِخِلَافِ مَا يُرْضِي اللَّهَ مُدَاهِنًا، وَ لَا وَهَنْتَ لِمَا أَصَابَكَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا ضَعُفْتَ؛ وَ لَا اسْتَكْنَتَ عَنْ طَلَبِ حَقِّكَ مُرَاقِبًا، مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ تَكُونَ كَذَلِكَ، بَلْ إِذْ ظَلِمْتَ احْتَسَبْتَ رَبَّكَ، وَ فَوَّضْتَ إِلَيْهِ أَمْرَكَ، وَ ذَكَرْتَهُمْ فَمَا ادَّكَّرُوا وَ وَعَظْتَهُمْ فَمَا اتَّعَظُوا، وَ خَوَّفْتَهُمْ اللَّهَ فَمَا تَخَوَّفُوا

و گواهی می‌دهم که از روی زبونی محافظه‌کاری نکردی و در اثر بی‌تابی و عجز از گرفتن حقت باز نایستادی و به خاطر ترس و وحشت، از پیکار با غاصبان ولایتت قدم به عقب نگذاشتی و به علت سستی بر خلاف آنچه خدا را خشنود می‌کند اظهار خشنودی ننموده و برای آنچه در راه خدا به تو دررسیده سست نشدی؛ و به خاطر ترس و زبونی از خواستن حقت ناتوان و درمانده نگشتی، پناه به خدا از اینکه چنین باشی، بلکه زمانی که مورد ستم واقع شدی به حساب پروردگارت گذاشتی و کارت را به او واگذار کردی و ستمکاران را پند دادی ولی نپذیرفتند و اندرز دادی ولی قبول نکردند و آنان را از خدا ترساندی، ولی نترسیدند

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جِوَارِهِ وَ قَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ، وَ أَلْزَمَ أَعْدَاءَكَ الْحُجَّةَ بِقَتْلِهِمْ إِيَّاكَ، لِتَكُونَ الْحُجَّةَ لَكَ عَلَيْهِمْ، مَعَ مَا لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ

و گواهی می‌دهم که تو ای امیرمؤمنان در راه خدا آن‌گونه که شایسته جهاد بود جهاد کردی تا اینکه خدا تو را به جوارش فرا خواند و به اختیارش تو را به جانب خود قبض روح کرد و حجتت را بر دشمنانت با به قتل رساندن تو همراه کرد، تا حجت به سود تو و بر زیان آنان باشد، همراه با آنچه برای تو بود از حجت‌های رسا بر همه آفریده‌های او؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، عَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا وَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ صَابِرًا وَ جُدْتَ بِنَفْسِكَ مُحْتَسِبًا وَ عَمِلْتَ بِكِتَابِهِ وَ اتَّبَعْتَ سُنَّةَ نَبِيِّهِ وَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ مَا اسْتَطَعْتَ، مُبْتَغِيًا مَا عِنْدَ اللَّهِ، رَاغِبًا فِيَمَا وَعَدَ اللَّهُ لَا تَحْفَلُ بِالنَّوَائِبِ، وَ لَا تَهِنُ عِنْدَ الشَّدَائِدِ؛ وَ لَا تَحْجُمُ عَنْ مُحَارِبِ

سلام بر تو ای امیر مؤمنان، خدا را خالصانه عبادت کردی و صابرا نه در راه خدا جهاد نمودی و به حساب خدا جانبازی کردی و به کتابش عمل نمودی و روش پیامبرش را پیروی کردی و نماز را بپا داشتی و زکات را پرداختی و به معروف امر کردی و تا توانستی از منکر نهی نمودی، طالب بودی آنچه را نزد خداست، مشتاق بودی در آنچه خدا وعده داد، کاسه صبرت از پیش آمدها لبریز نشد و هنگام سختی‌ها سست نگشتی؛ از برابر هیچ جنگجویی بازنگشتی،

أَفِكَ مَنْ نَسَبَ غَيْرَ ذَلِكَ إِلَيْكَ، وَ افْتَرَى بَاطِلًا عَلَيْكَ، وَ أَوْلَى لِمَنْ عِنْدَ عَنكَ، لَقَدْ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ الْجِهَادِ وَ صَبَرْتَ عَلَى الْأَذَى صَبْرَ احْتِسَابٍ، وَ أَنْتَ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ، وَ صَلَّى لَهُ وَ جَاهَدَ وَ أَبَدَى صَفْحَتَهُ فِي دَارِ الشَّرْكِ، وَ الْأَرْضُ مَشْحُونَةٌ ضَلَالَةً، وَ الشَّيْطَانُ يُعْبَدُ جَهْرَةً وَ أَنْتَ الْقَائِلُ: لَا تَزِيدُنِي كَثْرَةَ النَّاسِ حَوْلِي عِزَّةً، وَ لَا تَفَرِّقُهُمْ عَنِّي وَحِشَةً، وَ لَوْ أَسْلَمَنِي النَّاسُ جَمِيعًا، لَمْ أَكُنْ مُتَضَرِّعًا

آنکه غیر این امور را به تو نسبت داد تهمت زد و به باطل بر تو دروغ بست و مرگ بر کسی که با اصرار بر مخالفت با تو از تو روی گرداند، به راستی در راه خدا آن گونه که شایسته جهاد بود جهاد کردی و بر آزار مردم به نیکی صبر کردی صبری به حساب خدا، تویی اول کسی که به خدا ایمان آوردی و برای او نماز خواندی و جهاد کردی و خود را در خانه شرک برای حق آشکار نمودی، درحالی که زمین انباشته به گمراهی بود و شیطان آشکارا عبادت می شد و تویی گوینده این سخن: کثرت مردم در پیرامونم عزتی به من نیفزاید و پراکنده شدنشان ترسی به من اضافه نکند، اگر همه مردم از من دست بردارند، نالان نشوم

اعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ فَعَزَزْتُ وَ آثَرْتُ الْأَمْرَةَ عَلَى الْأَوْلَى فَزَهَدْتُ، وَ أَيَّدَكَ اللَّهُ وَ هَدَاكَ وَ أَخْلَصَكَ وَ اجْتَبَاكَ، فَمَا تَنَاقَضْتُ أَفْعَالِكَ وَ لَا اخْتَلَفْتُ أَقْوَالَكَ، وَ لَا تَقَلَّبْتُ أَحْوَالَكَ وَ لَا ادَّعَيْتُ وَ لَا افْتَرَيْتُ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا، وَ لَا شَرِهْتُ إِلَى الْحُطَامِ وَ لَا دَنَسْتُ الْإِثَامَ وَ لَمْ تَزَلْ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ وَ يَقِينٍ مِنْ أَمْرِكَ تَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ أَشْهَدُ شَهَادَةً حَقًّا وَ أَقْسِمُ بِاللَّهِ قَسَمَ صِدْقٍ أَنَّ مُحَمَّدًا وَ آلَهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ سَادَاتُ الْخَلْقِ، وَ أَنْتَ مَوْلَايَ وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ

پناهنده به خدا شدی و عزت یافتی، آخرت را بر دنیا برگزیدی و پارسا گشتی، خدا حمایت کرد و راهنماییات فرمود و در گردونه خلوص قرار داد و تو را برگزید، کردارهایت ضد و نقیض نشد، گفتارهایت اختلاف نیافت، حالاتت زیر و رو نگشت، ادعای بیهوده نکردی و بر خدا دروغ نبستی و به متاع اندک دنیا طمع نورزیدی، گناهان تو را آلوده نساخت، همواره امورت بر پایه برهانی از سوی پروردگارت بود، در کارت بر یقین بودی، به سوی حق و راه مستقیم هدایت می نمودی، گواهی می دهم گواهی راست و درست و سوگند می خورم سوگند صدق که محمد و خاندانش (درود خدا بر آنان باد) سروران آفریده هاینده و اینکه تو مولای من و مولای همه مؤمنانی؛

وَ أَنْتَ عَبْدُ اللَّهِ وَ وَليُّهُ وَ أَخُو الرَّسُولِ وَ وَصِيُّهُ وَ وَارِثُهُ وَ أَنَّهُ الْقَائِلُ لَكَ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ مَا آمَنَ بِي مَنْ كَفَرَ بِكَ، وَ لَا أَقَرُّ بِاللَّهِ مَنْ جَحَدَكَ وَ قَدْ صَلَّ مِنْ صَدِّ عَنكَ وَ لَمْ يَهْتَدِ إِلَى اللَّهِ وَ لَا إِلَيَّ مَنْ لَا يَهْتَدِي بِكَ وَ هُوَ قَوْلُ رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ: (وَ إِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى) إِلَى وَلايَتِكَ

تو بنده خدا و ولی او و برادر پیامبر و جانشین و وارث او هستی و او گوینده‌ی این سخن به حضرت توست: سوگند به کسی که مرا به حق برانگیخت به من ایمان نیاورد آن که به تو کافر شد و به خدا اقرار ننمود آن که به انکار تو برخاست، گمراه شد کسی که مردم را از تو بازداشت و به سوی خدا و به سوی من راه نیافت و این گفتار پروردگار عزوجل من است: «یقیناً من آمرزنده کسی هستم که توبه کرده و ایمان آورده و کار شایسته انجام داده، سپس به سوی ولایت تو هدایت یافت .»

مَوْلَايَ فَضْلِكَ لَا يَخْفَى، وَ تُورِكَ لَا يُطْفَأُ، وَ أَنَّ مَنْ جَحَدَكَ الظُّلْمُ الْأَشْقَى؛ مَوْلَايَ أَنْتَ الْحُجَّةُ عَلَى الْعِبَادِ وَ الْمَهَادِي إِلَى الرَّشَادِ وَ الْعُدَّةُ لِلْمَعَادِ مَوْلَايَ لَقَدْ رَفَعَ اللَّهُ فِي الْأُولَى مَنْزِلَتَكَ وَ أَعْلَى فِي الْآخِرَةِ دَرَجَتَكَ وَ بَصَّرَكَ مَا عَمِيَ عَلَى مَنْ خَالَفَكَ وَ حَالَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ مَوَاهِبِ اللَّهِ لَكَ؛ فَلَعَنَ اللَّهُ مُسْتَحِلِّي الْحُرْمَةِ مِنْكَ، وَ ذَائِدِي الْحَقِّ عَنكَ وَ أَشْهَدُ أَنَّهُمُ الْأَخْسَرُونَ، الَّذِينَ تَلَفَحُوا وَجُوهَهُمُ النَّارُ وَ هُمْ فِيهَا كَالْحُونَ

مولای من احسان تو پنهان نیست و نورت خاموش نگردد و آن که تو را انکار کند ستمکار و بدبخت است، مولای من تو حجت بر بندگانی و راهنمای به سوی راه راستی و ذخیره روز معادی، مولای من خدا مقامت را در دنیا بلند کرد و درجات را در آخرت والا گردانید و بینایت نمود به آنچه بر کسی که با تو مخالفت کرد پوشیده ماند و بین تو و نعمت‌های خدادادی به تو حجاب شد؛ لعنت خدا بر حلال شمارندگان حرمتت و دفع‌کنندگان حقت و گواهی می‌دهم که آنان از زیانکارترین مردمی هستند که آتش، چهره آنان را می‌سوزاند و در میان دوزخ، زشت و عبوس هستند

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مَا أَقْدَمْتَ وَ لَا أَحْجَمْتَ وَ لَا نَطَقْتَ وَ لَا أَمْسَكْتَ إِلَّا بِأَمْرِ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ؛ قُلْتَ: وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَقَدْ نَظَرَ إِلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، أَضْرِبُ بِالسَّيْفِ قُدَمَا، فَقَالَ: يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، وَ أَعْلَمُكَ أَنَّ مَوْتَكَ وَ حَيَاتَكَ مَعِي، وَ

عَلَى سُنَّتِي فَوَ اللَّهُ مَا كَذِبْتُ وَ لَا كُذِّبْتُ وَ لَا صَلَّيْتُ وَ لَا صَلَّيْتُ بِي، وَ لَا نَسِيتُ مَا عَاهَدَ إِلَيَّ رَبِّي، وَ
 إِنِّي لَعَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي بَيْنَهَا لِنَبِيِّهِ وَ بَيْنَهَا النَّبِيُّ لِي، وَ إِنِّي لَعَلَى الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ الْفِظْهُ لَفْظًا
 صَدَقْتُ، وَ اللَّهُ وَ قُلْتُ الْحَقُّ؛

و گواهی می‌دهم که اقدام نکردی و قدم به عقب نگذاشتی و سخن نگفتی و باز نایستادی مگر به فرمان خدا و
 رسولش. خودت فرمودی: سوگند به آن که جانم در دست اوست، رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد) به
 من نظر کرد، درحالی که پیش‌قدمانه شمشیر می‌زد، ایشان به من فرمود: ای علی تو نسبت به من به منزله
 هارونی نسبت به موسی، جز اینکه بعد از من پیغمبری نیست و من تو را خبر می‌دهم که مرگ و زندگی تو با
 من و بر اساس راه و رسم من است، به خدا سوگند دروغ نگفتم و به من دروغ گفته نشد و گمراه نشدم و کسی
 به وسیله من گمراه نشده و آنچه را پروردگارم با من عهد کرده فراموش نکردم، من بر برهانی از سوی پروردگارم
 هستم که برای پیامبرش بیان نموده و پیامبر نیز برای من بیان داشته و من به راستی بر راه روشن هستم که آن
 را صریح می‌گویم با صراحت تمام، ای امیرمؤمنان به خدا سوگند راست گفتمی و حق گفتمی

فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَاوَأَكَ بِمَنْ نَاوَأَكَ، وَ اللَّهُ جَلَّ اسْمُهُ يَقُولُ: (هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا
 يَعْلَمُونَ) فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ عَدَلَ بِكَ مَنْ فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ لَا يَتَّكَ، وَ أَنْتَ وَ لِيُ اللَّهُ وَ أَخُو رَسُولِهِ، وَ الذَّابُّ
 عَن دِينِهِ وَ الَّذِي نَطَقَ الْقُرْآنُ بِتَفْضِيلِهِ؛ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (وَ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ
 أَجْرًا عَظِيمًا دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَ مَغْفِرَةً وَ رَحْمَةً وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا)

پس خدا لعنت کند کسی که تو را با آن که با تو دشمنی کرد، برابر قرار داد درحالی که خدا می‌فرماید: «آیا
 کسانی که معرفت [به حقایق] دارند با کسانی که تهی از معرفتند یکسانند؟» پس خدا لعنت کند کسی را که
 مساوی تو قرار داد، آن کس را که خدا ولایت را بر او واجب کرد و حال اینکه تو ولی خدایی و برادر رسول
 خدایی و دفاع کننده از دین خدایی و کسی هستی که قرآن به برتری‌اش گویاست، خدای تعالی فرمود: «و
 جهادکنندگان را بر خانه‌نشینان [بی‌عذر] به پاداشی بزرگ برتری داده است؛ [آن پاداش بزرگ] رتبه‌هایی از
 سوی خدا [است] و [آنان را به] آمرزشی [لوپژه می‌آمرزد] و [به] رحمتی [خاص مورد رحمت قرار می‌دهد]؛
 خداوند همواره بسیار آمرزنده و مهربان است.»

وَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ، وَ
 جَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ، وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ؛ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ

جَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ، بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْثَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ؛ يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَ رِضْوَانٍ وَ جَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ، خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ

و خدای تعالی فرمود: «آیا آبدادن به حاجیان، و آبادکردن مسجدالحرام را [از نظر ارزش] مانند [عمل] کسی قرار داده‌اید که به خداوند و روز قیامت ایمان دارد و در راه خدا جهاد کرده است؟ [ارزش این دو] نزد خداوند یکسان نیست؛ خداوند مردم ستمکار را هدایت نمی‌کند؛ آنان که ایمان آوردند و هجرت کردند و با اموال و جان‌هایشان در راه خدا به جهاد برخاستند مقامشان در پیشگاه خداوند والاتر است و اینان کامیابند؛ پروردگارشان آنان را از نزد خود به رحمتی ویژه و خشنودی و بهشت‌هایی که در آن‌ها نعمت‌های فراوان و ابدی است مژده می‌دهد؛ در آن‌جا همواره جاودانه‌اند، همانا خداست که پاداشی بزرگ نزد اوست.»

أَشْهَدُ أَنَّكَ الْمُخْصُوصُ بِمِدْحَةِ اللَّهِ الْمُخْلِصِ لِبِطَاعَةِ اللَّهِ، لَمْ تَبِعْ بِالْمُهْدَى بَدَلًا وَ لَمْ تُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّكَ أَحَدًا وَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى اسْتَجَابَ لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فِيكَ دَعْوَتُهُ ثُمَّ أَمَرَهُ بِإِظْهَارِ مَا أَوْلَاكَ لِأُمَّتِهِ إِعْلَاءً لِشَانِكَ وَ إِعْلَانًا لِبُرْهَانِكَ، وَ دَحْضًا لِلْأَبَاطِيلِ وَ قَطْعًا لِلْمَعَاذِيرِ فَلَمَّا أَشْفَقَ مِنْ فِثْنَةِ الْفَاسِقِينَ، وَ اتَّقَى فِيكَ الْمُنَافِقِينَ أَوْحَى إِلَيْهِ رَبُّ الْعَالَمِينَ: (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ، بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ، وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ، وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ)؛

گواهی می‌دهم که تو به ستایش خدا مخصوص گشته‌ای و مخلص در طاعت خدایی، برای هدایت جایگزینی نجستی و در بندگی پروردگارت احدی را شریک نساختی، خدای تعالی دعای پیامبرش (درود خدا بر او و خاندانش) را در حق تو اجابت کرد، سپس اظهار آنچه تو را سزاوار حکومت بر ملتش کرده بود به او فرمان داد، برای بالا بردن شانت و علنی ساختن برهانت و دفع باطل‌ها و بریدن بهانه‌ها، پس زمانی که از آشوب اهل فسق بیمناک شد و درباره تو در برابر منافقان محافظه‌کاری کرد، پروردگار جهانیان به او وحی کرد: ای پیامبر! آنچه از سوی پروردگارت [درباره معرفی علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام) به مقام ولایت و امامت بر امت] بر تو نازل شده ابلاغ کن! اگر انجام ندهی پیام خدا را به مردم نرسانده‌ای! خداوند تو را از [گزند] مردم حفظ می‌کند

فَوَضَعَ عَلَى نَفْسِهِ أَوْزَارَ الْمَسِيرِ، وَ نَهَضَ فِي رَمَضَانَ الْمَهْجِيرِ فَخَطَبَ، وَ أَسْمَعَ وَ نَادَى فَأَبْلَغَ ثُمَّ سَأَلَهُمْ أَجْمَعَ فَقَالَ هَلْ بَلَّغْتُ فَقَالُوا: اللَّهُمَّ بَلَى فَقَالَ: اللَّهُمَّ اشْهَدْ ثُمَّ قَالَ: أَلَسْتُ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ

أَنْفُسِهِمْ فَقَالُوا بَلَىٰ فَاخْذْ بِيَدِكَ وَ قَالَ: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلَيَّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذْ مَنْ خَذَلَهُ.»

پس او بارهای سنگین سفر را بر دوش جان نهاد و در حرارت شدید نیمه روز برخاست، سخنرانی کرد و شنوایان فریاد زد، پس پیام حق را رساند، سپس از همه آن‌ها پرسید: آیا رساندم؟ گفتند: به خدا قسم آری. فرمود: خدایا شاهد باش؛ سپس به مردم خطاب کرد: آیا من آن نیستم که به مؤمنان از خود آنان سزاوارترم؟ گفتند: آری، پس دست تو را گرفت و فرمود: هرکه من مولای اویم، پس این علی مولای اوست، خدایا دوست بدار هرکه او را دوست دارد و دشمن بدار هرکه او را دشمن دارد و یاری کن کسی را که یاری‌اش کند و خوار کن هرکه خوارش سازد؛

فَمَا آمَنَ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيكَ عَلَىٰ نَبِيِّهِ، إِلَّا قَلِيلٌ وَ لَا زَادَ أَكْثَرَهُمْ غَيْرَ تَخْسِيرٍ وَ لَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَىٰ فِيكَ مِنْ قَبْلُ وَ هُمْ كَارِهُونَ: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ، وَ يُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَىٰ الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَىٰ الْكَافِرِينَ، يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ، ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ، إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ، وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ، وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ) (رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ، فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ) (رَبَّنَا لَا تُرِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا، وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ).

پس به آنچه خدا درباره تو بر پیامبرش نازل کرد، ایمان نیاورد جز عده‌ای اندک و اکثرشان را نیفزود جز زیانکاری، پیش از آن نیز خدا در حق تو این آیه را نازل کرد درحالی‌که آنان دوست نداشتند: «ای مؤمنان! هرکس از شما از دین خود برگردد [او به آیین‌های ضد اسلام روی آورد زیانی به خدا و پیامبر نمی‌رساند]، خداوند به زودی گروهی را می‌آورد که محبوب خدایند و خداوند هم محبوب آنان است، در برابر مؤمنان فروتنند و در برابر کافران سرسخت [و قدرتمند]، همواره در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای نمی‌هراسند، این احسان خداست که به هرکس بخواهد می‌دهد؛ خداوند بسیار عطاکننده و داناست؛ سرپرست و دوست واقعی شما فقط خدا و پیامبر اوست و نیز مؤمنانی [چون علی بن ابی‌طالب علیه السلام] که همواره نماز را [با شرایط ویژه‌اش] برپا می‌دارند و درحال رکوع به تهیدستان صدقه می‌دهند و آنان که خدا و پیامبرش و مؤمنانی [چون امامان معصوم علیهم‌السلام] را به سرپرستی و دوستی بپذیرند [حزب خدایند و] مسلماً حزب خدا فقط

[همه جا و در هر زمان] پیروزند» «پروردگارا! به آنچه [از نزد خود برای هدایت ما] نازل کردی ایمان آوردیم و از این پیامبر [یعنی عیسی مسیح] پیروی کردیم، پس ما را در زمره گواهی دهندگان [به صدق نبوت عیسی و برحق بودن کتاب‌های آسمانی] بنویس!» «[اینان می‌گویند:] پروردگارا! دل‌هایمان را پس از آن‌که هدایت‌مان کردی منحرف مکن! و از سوی خود رحمتی بر ما ببخش؛ زیرا تو بسیار بخشنده‌ای.»

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعْلَمُ أَنَّ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَالْعَنَ مَنْ عَارَضَهُ وَ اسْتَكْبَرَ وَ كَذَّبَ بِهِ وَ كَفَرَ، (وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ)؛

پروردگارا به آنچه نازل کردی ایمان آوردیم و از پیامبر پیروی نمودیم، پس ما را با گواهان بنویس. پروردگارا دل‌های ما را پس از آنکه هدایت‌مان کردی منحرف مساز و به ما از نزد خود رحمتی ببخش که تو بسیار بخشنده‌ای، خدایا ما می‌دانیم که این گفتار از نزد تو حق است، پس لعنت کن کسی را که با آن معارضه کرد و به آن کبر ورزید و آن را تکذیب کرد و کافر شد و به‌زودی آنان‌که ستم کردند خواهند دانست به چه بازگشت‌گاهی باز خواهند گشت؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ وَ أَوَّلَ الْعَابِدِينَ، وَ أَزْهَدَ الزَّاهِدِينَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ، وَ صَلَوَاتِهِ وَ تَحِيَّاتِهِ؛ أَنْتَ مُطْعِمُ الطَّعَامِ عَلَى حُبِّهِ، مِسْكِيناً وَ يَتِيماً وَ أَسِيراً لِرُؤْفَةِ اللَّهِ، لَا تُرِيدُ مِنْهُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُوراً، وَ فِيكَ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: (وَ يُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ، وَ مَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ)؛

سلام بر تو ای امیرمؤمنان و سرور جانشینان و رأس عبادت‌کنندگان و پارساترین پارسایان و رحمت خدا و برکات و درودها و تحیاتش بر تو باد، تویی خوراننده طعام در حال دوست داشتن آن، به درمانده و یتیم و اسیر، تنها به خاطر خشنودی خدا که از آن‌ها پاداش و سپاسی نمی‌خواستی و خدای تعالی در حق تو چنین گفت: «و آنان را در امور معیشت» بر خود ترجیح می‌دهند گرچه خودشان را نیاز شدیدی باشد و کسانی که از بخل و حرصشان مصون داشته‌اند [بر همه موانع راه سعادت] پیروزند.»

وَ أَنْتَ الْكَاطِمُ لِلْغَيْظِ، وَ الْعَافِي عَنِ النَّاسِ، وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ، وَ أَنْتَ الصَّابِرُ فِي الْبُؤْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ، وَ حِينَ الْبُؤْسِ وَ أَنْتَ الْقَاسِمُ بِالسَّوِيَّةِ، وَ الْعَادِلُ فِي الرَّعِيَّةِ، وَ الْعَالِمُ بِحُدُودِ اللَّهِ مِنْ جَمِيعِ

الْبَرِيَّةِ، وَاللَّهُ تَعَالَى أَخْبَرَ عَمَّا أَوْلَاكَ مِنْ فَضْلِهِ بِقَوْلِهِ: (أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ؟! أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى، نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ)؛

تویی فرو برنده خشم و گذشت کننده از مردم و خدا نیکوکاران را دوست دارد، تویی صبرکننده در تنگدستی و پریشان حالی و به هنگام جنگ، تویی بخش کننده به برابری و دادگر در میان ملت و آگاه به مقررات خدا، از میان همه انسان‌ها، خدای تعالی خبر داد از آنچه تو را از فضلش انتخاب کرده به گفته‌اش: [با توجه به این حقیقت] آیا مؤمنان [اهل عبادت] مانند کسانی هستند که منحرف و نافرمانند؟ [نه، هرگز این دو گروه] مساوی نیستند؛ اما برای کسانی که مؤمنند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، بهشت‌ها و اقامتگاه دائمی است که به آنان به پاداش اعمالی که همواره انجام می‌دادند پیش کش می‌شود؛

وَ أَنْتَ الْمَخْصُوصُ بِعِلْمِ التَّنْزِيلِ، وَ حُكْمِ التَّأْوِيلِ، وَ نَصِّ الرَّسُولِ، وَ لَكَ الْمَوَاقِفُ الْمَشْهُودَةُ، وَ الْمَقَامَاتُ الْمَشْهُورَةُ، وَ الْأَيَّامُ الْمَذْكُورَةُ، يَوْمَ بَدْرٍ وَ يَوْمَ الْأَحْزَابِ، (إِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ، وَ بَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ، وَ تَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا؛ هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ، وَ زُلْزِلُوا زَلْزَالًا شَدِيدًا؛ وَ إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ، مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا؛ وَ إِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ: يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا، وَ يَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ النَّبِيَّ يَقُولُونَ: إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَ مَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا)

و تویی اختصاص یافته به علم قرآن و حکم تأویل و صریح گفتار پیامبر و توراست موقعیت‌های گواهی شده و مقامات مشهود و روزهای یاد شده، روز بدر و روز احزاب «و در آن حال چشم‌ها [از شدت ترس] خیره شد و جان‌ها به گلو رسید و به خداوند [در مورد وعده‌هایش] گمان‌ها [ای ناروا] می‌بردید؛ آن جا بود که مؤمنان [در برابر هجوم احزاب متحد] مورد آزمایش قرار گرفتند و [نهایتاً] به اضطرابی سخت دچار شدند؛ [در] همان زمان [بود] که منافقان و آنان که در دل‌هایشان بیماری شدید [ضعف اعتقاد و سستی اعتماد به خدا] وجود داشت می‌گفتند: خدا و پیامبرش جز بر پایه فریب به ما وعده [پیروزی] نداده‌اند؛ [در] آن هنگامه [بود] که گروهی از آنان گفتند: ای اهل مدینه! [میدان نبرد] جای درنگ و ماندن شما نیست، پس [به مدینه] بازگردید! و گروهی [دیگر] از پیامبر اجازه [بازگشت به مدینه] می‌خواستند [و بهانه آنان این بود که] می‌گفتند: خانه‌های ما بدون حفاظ است [و به این سبب در معرض خطر قرار دارد]؛ درحالی که بدون حفاظ نبود و آنان قصدی جز فرار [از جبهه] نداشتند»

وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا: هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ، وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ، وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا)، فَكَتَلَتْ عَمْرَهُمْ، وَهَزَمَتْ جَمْعَهُمْ، (وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا، وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ، وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيمًا)

و خدای تعالی فرمود: «چون مؤمنان، احزاب [متحد] را [در میدان جنگ خندق] دیدند گفتند: این همان [جنگی] است که خدا و پیامبرش به ما وعده دادند [که در صورت استقامت و پشت‌نکردن به آن، از پیروزی و ثواب عظیمش بهره‌مند خواهیم شد] و خدا و پیامبرش [به ما] وعدهٔ راست و درست داده‌اند؛ و [دیدن احزاب متحد با هم] جز بر ایمان و تسلیمشان [نسبت به خدا و رسول] نیفزود»؛ پس «عمر» قهرمان آن‌ها را کشتی و جمع آنان را فراری دادی، «و خداوند کافران [شرکت‌کننده در جنگ خندق] را درحالی‌که به هیچ خیری از پیروزی و غنیمت] دست نیافتند با [درون آکنده از] خشمشان [از اطراف مدینه به مناطقشان] برگرداند و مومنان را از [سختی و مشقت] جنگ نجات داد؛ خداوند همواره نیرومند و توانای شکست‌ناپذیر است .

و يَوْمَ أَحَدٍ (إِذْ يُصْعِدُونَ وَ لَا يُلْوُونَ عَلَى أَحَدٍ، وَ الرَّسُولُ يَدْعُهُمْ فِي أُخْرَاهُمْ) وَ أَنْتَ تَدُودُ بِهِمَ الْمُشْرِكِينَ عَنِ النَّبِيِّ ذَاتَ الْيَمِينِ وَ ذَاتَ الشَّمَالِ، حَتَّى رَدَّهُمُ اللَّهُ تَعَالَى عَنْكُمَا حَافِيَيْنَ، وَ نَصَرَ بِكَ الْخَازِلِينَ،

به یاد آرید زمانی که [از میدان جنگ تا مرز پنهان‌شدن از دیده‌ها] دور می‌شدید و به هیچ‌کس توجه نداشتید درحالی‌که پیامبر [که پاسخ به دعوتش واجب است] شما را از پشت سرتان [برای دفاع از حق و عقب‌راندن دشمن] فرامی‌خواند [و شما جواب نمی‌دادید]»، تو بودی که مشرکان را برای حفظ پیامبر به راست و چپ دفع می‌کردی تا خدا گزند آنان را در حالی که ترسان بودند از شما دو بزرگوار برگرداند و شکست‌خوردگان را به وسیله تو یاری کرد

و يَوْمَ حُنَيْنٍ عَلَى مَا نَطَقَ بِهِ التَّنْزِيلُ: (إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا، وَ ضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحَبَتْ، ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُدْبِرِينَ، ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ)؛ وَ الْمُؤْمِنُونَ أَنْتَ وَ مَنْ يَلِيكَ، وَ عَمَّكَ الْعَبَّاسُ يُنَادِي الْمُنْهَرَمِينَ: يَا أَصْحَابَ سُورَةِ الْبَقَرَةِ، يَا أَهْلَ بَيْعَةِ الشَّجَرَةِ، حَتَّى اسْتَجَابَ لَهُ قَوْمٌ قَدْ كَفَيْتَهُمُ الْمُؤْنَةَ، وَ تَكَفَّلَتْ دُونَهُمُ الْمَعُونَةَ، فَعَادُوا آيِسِينَ مِنَ الْمَثُوبَةِ،

رَاجِحِينَ وَعَدَّ اللَّهُ تَعَالَى بِالتَّوْبَةِ، وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ: (ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَيَّ مَنْ يَشَاءُ) وَ أَنْتَ حَائِزٌ دَرَجَةَ الصَّبْرِ، فَأَيُّ بَعْظِيمِ الْأَجْرِ

و روز حنین، بنا بر آنچه قرآن در این آیه به آن گویا شد: «زمانی که فزونی افرادتان شما را مغرور و شگفت زده کرد، ولی فزونی افراد، چیزی [از خطر] را از شما برطرف نکرد و زمین با همه فراخی اش بر شما تنگ شد، آن گاه پشت گنجان از عرصه نبرد گریختید؛ سپس خداوند [نعمت] آرامش خود را بر پیامبرش و مؤمنان نازل کرد»، «مؤمنان» تو بودی و همراهانت و عمویت عباس [که] شکست خوردگان را صدا می زد: ای اصحاب سوره بقره، ای اهل بیعت شجره تا جماعتی به او پاسخ دادند که تو رنج آن ها را کفایت کردی و به جای آن ها کمک را عهده دار شدی، پس نومید از پاداش برگشتند و امیدوار به وعده خدای تعالی به سبب توبه و این است سخن خدا که عظیم باد یادش: «آن گاه خداوند بعد از این [گناه فرار از جبهه]، توبه هر کس را بخواهد می پذیرد»، در حالی که تو درجه صبر را به دست آوردی و به مزد بزرگ پیروز شدی

وَ يَوْمَ خَيْبَرَ إِذْ أَظْهَرَ اللَّهُ خَوَرَ الْمُنَافِقِينَ، وَ قَطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ (وَ لَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُولُونَ الْأَذْبَارَ، وَ كَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا)؛

و روز خیبر که خدا شکست منافقان را آشکار کرد و دنباله کافران را برید و خدا را سپاس پروردگار جهانیان، «با این که پیش از این [در معرکه احد] با خداوند پیمان بسته بودند که [از جنگ] نگریزند، اکنون یقین داشته باشند که [پیمان با خداوند همواره مورد بازخواست خواهد بود]»؛

مَوْلَايَ أَنْتَ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ، وَ الْمَحَجَّةُ الْوَاضِحَةُ، وَ النَّعْمَةُ السَّابِغَةُ، وَ الْبُرْهَانُ الْمُنِيرُ، فَهَنِيئًا لَكَ بِمَا آتَاكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِ، وَ تَبَا لِسَانِكَ ذِي الْجَهْلِ، شَهِدْتَ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ جَمِيعَ حُرُوبِهِ وَ مَغَازِيهِ، تَحْمِيلُ الرَّايَةِ أَمَامَهُ، وَ تَضْرِبُ بِالسَّيْفِ قُدَّامَهُ، ثُمَّ لِحَزْمِكَ الْمُشْهُورِ، وَ بَصِيرَتِكَ فِي الْأُمُورِ، أَمْرَكَ فِي الْمَوَاطِنِ وَ لَمْ يَكُنْ عَلَيْكَ أَمِيرٌ،

مولای من تویی حجت رسا و راه روشن و نعمت کامل و برهان تابناک، پس گوارا باد تو را، آنچه خدا از برتری به تو داد و نابود باد دشمن نادانت، با پیامبر (درود خدا بر او و خاندانش) در تمام جنگ ها و لشکرکشی هایش حاضر بودی، پیشاپیش او پرچم اسلام را به دوش می کشیدی و در برابرش شمشیر می زدی، سپس تنها برای تدبیر و کاردانی مشهودت و بینایی ات در امور، در تمام میدان ها تو را به فرماندهی می گماشت و امیری بر تو نبود،

وَ كَمْ مِنْ أَمْرِ صَدَّكَ عَنْ إِمْضَاءِ عَزْمِكَ فِيهِ التُّقَى، وَ اتَّبَعَ غَيْرُكَ فِي مِثْلِهِ الْهَوَى، فَظَنَّ الْجَاهِلُونَ أَنَّكَ عَجَزْتَ عَمَّا إِلَيْهِ انْتَهَى، صَلَّى وَ اللَّهُ الظَّانُّ لِدَلِكْ وَ مَا اهْتَدَى، وَ لَقَدْ أَوْصَحْتَ مَا أَشْكَلَ مِنْ ذَلِكَ لِمَنْ تَوَهَّم وَ امْتَرَى، بِقَوْلِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ: «قَدْ يَرَى الْحَوْلُ الْقُلُوبَ وَجْهَ الْحِيلَةِ، وَ دُونَهَا حَاجِزٌ مِنْ تَقْوَى اللَّهِ، فَيَدْعُهَا رَأْيَ الْعَيْنِ، وَ يَنْتَهِزُ فُرْصَتَهَا مَنْ لَا حَرِيحَةَ لَهُ فِي الدِّينِ»

چه بسیار کارهایی که تقوا مانع اجرای تصمیمت در آنها شد، اما غیر تو در مثل آن از هوای نفس پیروی کرد، پس نادانان گمان کردند که تو از آنچه او به آن رسید عاجز شدی، به خدا قسم گمان کننده این چنین گمراه شد و راه نیافت و تو واضح ساختی آنچه از این امور مشکل شده بود، برای آن که توهم و تردید کرد به گفتارت، درود خدا بر تو که فرمودی: گاهی انسان زبردست و چیره روی چاره را می بیند، ولی در برابرش پرده ای از تقوای خداست، در نتیجه روی چاره را آشکارا رها می کند، ولی فرصت آن را غنیمت می داند کسی که در امر دین باکی ندارد؛

صَدَقْتَ وَ اللَّهُ، وَ خَسِرَ الْمُبْطِلُونَ، وَ إِذْ مَكَرَكَ النَّاكِثَانِ فَقَالَا، نُرِيدُ الْعُمْرَةَ فَقُلْتَ لَهُمَا: «لَعَمْرُكُمَا مَا تُرِيدَانِ الْعُمْرَةَ، لَكِنْ تُرِيدَانِ الْغَدْرَةَ»، فَأَخَذَتِ الْبَيْعَةَ عَلَيْهِمَا، وَ جَدَّدَتِ الْمِيثَاقَ فَجَدًّا فِي النِّفَاقِ، فَلَمَّا نَبَّهْتَهُمَا عَلَى فِعْلِهِمَا، أَغْفَلَا وَ عَادَا وَ مَا انْتَفَعَا، وَ كَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهِمَا خُسْرًا؛

به خدا سوگند راست گفתי و یاوه سرایان دچار زیان شدند، هنگامی که آن دو عهدشکن [طلحه و زبیر] با تو به فریبکاری برخاستند و گفتند قصد عمره داریم، به آنان گفתי: به جان خودتان قسم قصد عمره ندارید، بلکه قصد خیانت دارید، در نتیجه از آن دو نفر بیعت گرفتی و پیمان را محکم کردی، پس در نفاق کوشیدند، زمانی که بر کار نادرستشان آگاهشان کردی، بی توجهی کردند و به کار خویش بازگشتند، ولی بهره مند نشدند و سرانجام کار هر دو خسران شد؛

ثُمَّ تَلَاهُمَا أَهْلُ الشَّامِ، فَسِرَّتْ إِلَيْهِمْ بَعْدَ الْإِعْذَارِ، وَ هُمْ لَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ، وَ لَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ، هَمَّجٌ رَعَاغٌ ضَالُّونَ، وَ بِالَّذِي أَنْزَلَ عَلَى مُحَمَّدٍ فِيكَ كَافِرُونَ، وَ لِأَهْلِ الْخِلَافِ عَلَيْكَ نَاصِرُونَ، وَ قَدْ أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى بِاتِّبَاعِكَ، وَ نَدَبَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى نَصْرِكَ وَ قَالَ عَزَّوَجَلَّ: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا، اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ)؛

سپس اهل شام خیانت آن دو را دنبال کردند و تو پس از بستن راه عذر بر آنان به سويشان حرکت کردی، ولی آنها به دین حق گردن ننهاده‌اند و در قرآن تدبّر نمودند، بی‌خردان پست و گمراهان ناجوانمرد، به آنچه در حق تو بر محمد نازل شده بود کافرند و نسبت به مخالفان ضدّ تو یاری دهنده‌اند، درحالی که خدا به پیروی از تو امر کرد و مؤمنان را به یاری تو فرا خواند و فرمود خدای عزوجل: ای اهل ایمان! از خداوند اطاعت کرده و از محرّماتش [بپرهیزید و با صادقان [که انبیاء و اهل بیت (علیهم‌السلام) و اولیای خاص خداوند] همراه باشید؛

مَوْلَايَ بِكَ ظَهَرَ الْحَقُّ، وَ قَدْ نَبَذَهُ الْخَلْقُ، وَ أَوْصَحَتِ الشُّنَنُ بَعْدَ الدُّرُوسِ وَ الطَّمْسِ، فَلَكَ سَابِقَةٌ الْجِهَادِ عَلَى تَصْدِيقِ التَّنْزِيلِ؛ وَ لَكَ فَضِيلَةٌ الْجِهَادِ عَلَى تَحْقِيقِ التَّأْوِيلِ

مولای من حق بر تو نمایان شد، درحالی که مردم آن را به یک سو انداختند و تو روش‌های دینی را پس از کهنگی و نابودی آشکار ساختی، تورا ست پیشینه جهاد بر پایه تصدیق به قرآن و تورا ست فضیلت جهاد بر پایه تحقق تأویل

وَ عَدُوَّكَ عَدُوَّ اللَّهِ، جَا حِدُّ لِرَسُولِ اللَّهِ، يَدْعُو بَاطِلًا وَ يَحْكُمُ جَائِرًا، وَ يَتَأَمَّرُ غَاصِبًا وَ يَدْعُو حِزْبَهُ إِلَى النَّارِ وَ عَمَّارٌ يُجَاهِدُ وَ يُنَادِي بَيْنَ الصَّغِيْنِ: الرَّوَّاحِ الرَّوَّاحِ إِلَى الْجَنَّةِ، وَ لَمَّا اسْتَسْقَى فَسَقِيَ اللَّبْنَ، كَبَّرَ وَ قَالَ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: آخِرُ شَرَابِكَ مِنَ الدُّنْيَا صِيَّاحٌ مِنْ لَبَنِ وَ تَقْتُلُكَ الْفِئَةُ الْبَاغِيَّةُ؛ فَاعْتَرَضَهُ أَبُو الْعَادِيَةِ الْفَزَارِيُّ فَقَتَلَهُ،

و دشمن تو دشمن خدا و انکارکننده رسول خدا است، دعوت می‌کند دعوت باطل، حکومت می‌کند ستمکارانه، فرمان می‌دهد غاصبانه، دار و دسته‌اش را به دوزخ می‌خواند، درحالی که عمّار جهاد می‌کرد و میان دو لشکر فریاد می‌زد: کوچ کنید، کوچ کنید به سوی بهشت و زمانی که آب خواست، با شیر سیراب شد و تکبیر زد و گفت: رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش) به من فرمود: آخرین نوشیدنی‌ات از دنیا مخلوطی است از شیر و تو را گروه متجاوز به قتل می‌رساند؛ پس ابوالعادیة فزاری راه را بر عمّار گرفت و او را کشت،

فَعَلَى أَبِي الْعَادِيَةِ لَعْنَةُ اللَّهِ، وَ لَعْنَةُ مَلَائِكَتِهِ وَ رُسُلِهِ أَجْمَعِينَ، وَ عَلَى مَنْ سَلَّ سَيْفَهُ عَلَيْكَ، وَ سَلَّتْ سَيْفَكَ عَلَيْهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ الْمُنَافِقِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ، وَ عَلَى مَنْ رَضِيَ بِمَا سَاءَكَ وَ لَمْ يَكْرَهُهُ، وَ أَعْمَصَ عَيْنَهُ وَ لَمْ يُكْرِ، أَوْ أَعَانَ عَلَيْكَ بِيَدٍ أَوْ لِسَانٍ، أَوْ قَعَدَ عَن نَّصْرِكَ، أَوْ خَذَلَ عَنِ الْجِهَادِ مَعَكَ، أَوْ غَمَطَ فَضْلَكَ، وَ جَحَدَ حَقَّكَ، أَوْ عَدَلَ بِكَ مَنْ جَعَلَكَ اللَّهُ أَوْلَى بِهِ مِنْ

نَفْسِهِ، وَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ، وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، وَ سَلَامُهُ وَ تَحِيَّاتُهُ، وَ عَلَى الْأُمَّةِ مِنْ آلِكَ
الطَّاهِرِينَ، إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ؛

بر ابوالعادیه لعنت خدا و لعنت فرشتگان خدا و همه پیامبران و لعنت بر کسی که شمشیر به روی تو کشید و تو
به روی او شمشیر کشیدی ای امیرمؤمنان، از مشرکان و منافقان تا روز قیامت و بر آن که خشنود شد به آنچه تو
را غمگین ساخت و غم تو او را ناخوش نداشت و دیده برهم نهاد و بی تفاوت گذشت و علت و عاملش را انکار
نکرد یا ضد تو به دست و زبان کمک کرد یا از یاریات دست کشید یا از جهاد نمودن به همراه تو، کناره‌گیری
کرد یا فضل تو را کوچک شمرد و حقت را انکار کرد یا با تو برابر نمود کسی را که خدا قرار داد تو را سزاوارتر به
او از خود او، درودهای خدا و رحمت و برکات و سلام و تحیاتش بر تو و بر امامان از خاندان پاک تو، زیرا او
ستوده و بزرگوار است؛

وَ الْأَمْرُ الْأَعْجَبُ، وَ الْخَطْبُ الْأَفْظَعُ بَعْدَ جَحْدِكَ حَقِّكَ، غَضِبُ الصِّدِّيقَةِ الطَّاهِرَةِ الرَّهْرَاءِ، سَيِّدَةِ
النِّسَاءِ فَدَكَاً، وَ رَدُّ شَهَادَتِكَ وَ شَهَادَةِ السَّيِّدِينَ سُلَالَتِكَ، وَ عِثْرَةُ الْمُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُمْ، وَ
قَدْ أَعْلَى اللَّهُ تَعَالَى عَلَى الْأُمَّةِ دَرَجَتَكُمْ، وَ رَفَعَ مَنْزِلَتَكُمْ، وَ أَبَانَ فَضْلَكُمْ، وَ شَرَّفَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ،
فَأَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ، وَ طَهَّرَكُمْ تَطْهِيراً قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: (إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً، إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ
جَزُوعاً، وَ إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً إِلَّا الْمُصَلِّينَ)، فَاسْتَنْتَى اللَّهُ تَعَالَى نَبِيَّهُ الْمُصْطَفَى، وَ أَنْتَ يَا سَيِّدَ
الْأَوْصِيَاءِ مِنْ جَمِيعِ الْخَلْقِ، فَمَا أَعَمَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ عَنِ الْحَقِّ؛

کار شگفت‌تر و حادثه زشت‌تر، پس از انکار حق تو، غضب فدک صدیقه طاهره زهرا سرور زنان و نپذیرفتن گواهی
تو و گواهی دو سرور از نژادت و عترت مصطفی است! (درود خدا بر شما باد) و حال آن که خدا درجه شما را بر
امت برتر گرداند و منزلت شما را رفیع قرار داد و فضل و شرفتان را بر جهانیان آشکار ساخت و پلیدی را از شما
برد و پاکتان ساخت پاک ساختنی ویژه، خدا عزوجل فرمود: همانا انسان بی‌طاقت و حریص آفریده شده؛ چون
آسیبی به او رسد بیتابی می‌کند؛ و هنگامی که خیری [مثل امکانات مادی] نصیب او شود بخل می‌ورزد؛ به جز
نمازگزاران [که از برکت نماز، پُرتحمل و قناعت‌پیشه و اهل سخاوت‌اند]؛ پس خدای متعال، پیامبر برگزیده‌اش را
و تو را، ای سرور جانشینان از همه مردم استثنا کرد، پس آنان که به تو ستم کردند، چقدر از دیدن حق کور
بودند؛

ثُمَّ أَفْرَضُواكَ سَهْمَ ذَوِي الْقُرْبَىٰ مَكْرًا، وَ أَحَادُوهُ عَنِ أَهْلِهِ جَوْرًا، فَلَمَّا آلَ الْأَمْرُ إِلَيْكَ أَجْرَيْتَهُمْ عَلَىٰ مَا
 أَجْرِيَا، رَغْبَةً عَنْهُمَا بِمَا عِنْدَ اللَّهِ لَكَ، فَأَشْبَهَتْ مِحْنَتُكَ بِهِمَا مِحْنَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، عِنْدَ
 الْوَحْدَةِ وَ عَدَمِ الْأَنْصَارِ

سپس سهم خویشان پیامبر را از باب فریب برای تو مقرر داشتند، ولی به جور و ستم از اهلش برگرداندند، چون
 حکومت به تو برگشت با خویشان پیامبر درحالی که از آن دو نفر روی گردان بودی، به خاطر پاداشی که نزد خدا
 برای تو بود، به همان صورت عمل کردی که آن دو نفر عمل کردند، پس گرفتاری تو به آن دو نفر به گرفتاری
 پیامبران (درود خدا بر ایشان) در هنگام تنهایی و بی‌یاوری شبیه شد

وَ أَشْبَهَتْ فِي الْبَيَاتِ عَلَى الْفِرَاشِ الذَّبِيحَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، إِذْ أَجَبْتَ كَمَا أَجَابَ، وَ أَطَعْتَ كَمَا أَطَاعَ
 إِسْمَاعِيلُ، صَابِرًا مُحْتَسِبًا، إِذْ قَالَ لَهُ: (يَا بَنِيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ، فَانظُرْ مَاذَا تَرَىٰ، قَالَ
 يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ، سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ)؛ وَ كَذَلِكَ أَنْتَ لَمَّا أَبَاتَكَ النَّبِيُّ صَلَّى
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ أَمَرَكَ أَنْ تَضْجَعَ فِي مَرْقَدِهِ، وَاقِيَا لَهُ بِنَفْسِكَ، أَسْرَعْتَ إِلَىٰ إِجَابَتِهِ مُطِيعًا، وَ
 لِنَفْسِكَ عَلَى الْقَتْلِ مُوْطِنًا؛ فَشَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى طَاعَتَكَ، وَ أَبَانَ عَنِ جَمِيلِ فِعْلِكَ، بِقَوْلِهِ جَلَّ ذِكْرُهُ: (وَ
 مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ)؛

و در آرمیدن در بستر پیامبر شبیه به اسماعیل ذبیح (درود بر او) شدی چه آن که تو نیز مانند او قبول کردی و
 اطاعت نمودی به همان صورت که اسماعیل صابرانه و پاداش‌خواهانه اطاعت کرد، وقتی که ابراهیم به او گفت:
 «پسرکم! همانا در خواب دیدم تو را ذبح می‌کنم؛ با تأمل بنگر رأی تو چیست؟ گفت: پدرم! آنچه را به آن مأمور
 شده‌ای انجام ده، ان‌شاءالله مرا از شکیبایان خواهی یافت» و تو نیز زمانی که پیامبر (درود خدا بر او و خاندانش)
 در بسترش خوابانندت و به تو فرمان داد در خوابگاهش بیارامی و او را با جانث از شر دشمنان حفظ کنی،
 فرمانبردارانه به پذیرش دعوتش شتافتی و خود را برای کشته شدن آماده کردی؛ در نتیجه خدا از
 فرمان‌برداری‌ات قدردانی کرد و از کار زیباییت به گفتارش جلّ ذکره در قرآن پرده برداشت، آنجا که فرمود: و از
 مردم کسی [چون علی بن ابی‌طالب (علیه السلام)] است که جانث را برای به‌دست‌آوردن خشنودی خدا می‌فروشد؛

ثُمَّ مِحْنَتُكَ يَوْمَ صِفِّينَ، وَ قَدْ رُفِعَتِ الْمَصَاحِفُ حِيَلَةً وَ مَكْرًا، فَأَعْرَضَ الشَّكُّ، وَ عُزِفَ الْحَقُّ، وَ اتَّبَعَ
 الظَّنُّ، أَشْبَهَتْ مِحْنَةَ هَارُونَ، إِذْ أَمَرَهُ مُوسَىٰ عَلَى قَوْمِهِ، فَتَفَرَّقُوا عَنْهُ، وَ هَارُونَ يُنَادِي بِهِمْ وَ

يَقُولُ: (يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ، وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ، فَاتَّبِعُونِي وَاطِيعُوا أَمْرِي، قَالُوا: لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ، حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَى)؛

سپس گرفتاریات در جنگ صفین، درحالی که قرآن‌ها از روی حيله و فریب به نیزه‌ها بالا رفته بود، در نتیجه شک و تردید پیدا شد و حق به یک سو افتاد و از گمان پیروی شد، این گرفتاریات شبیه به گرفتاری هارون شد، زمانی که موسی او را بر قوم خود امارت داد، آن‌ها از دور او پراکنده شدند، هارون بر سر آنان فریاد می‌زد و می‌گفت: ای قوم من! شما به وسیله این [مجسمه بی‌جان و بی‌اثر] مورد آزمایش قرار گرفته‌اید، بی‌تردید پروردگار شما خداوند رحمان است، بر شماست که از من [که پیامبر و جانشین موسی هستم] پیروی کنید و مطیع دستورم باشید؛ گفتند: ما هرگز پرستش گوساله را ترک نمی‌کنیم تا موسی به سویمان بازگردد!

وَكَذَلِكَ أَنْتَ لَمَّا زُفِعَتِ الْمَصَاحِفُ، قُلْتَ: يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهَا وَخُدِعْتُمْ، فَعَصَوْكَ وَخَالَفُوا عَلَيْكَ، وَاسْتَدْعَوْا نَصَبَ الْحَكَمَيْنِ فَأَبَيْتَ عَلَيْهِمْ، وَتَبَرَّأْتَ إِلَى اللَّهِ مِنْ فِعْلِهِمْ، وَفَوَّضْتَهُ إِلَيْهِمْ، فَلَمَّا أَسْفَرَ الْحَقُّ وَسَفِهَ الْمُنْكَرُ، وَاعْتَرَفُوا بِالزَّلَلِ وَالْجَوْرِ عَنِ الْقَصْدِ، اخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِهِ، وَالزُّمُوكَ عَلَى سَفَهٍ التَّحْكِيمِ، الَّذِي أَبَيْتَهُ وَأَحْبَبْتَهُ وَحَظَرْتَهُ، وَأَبَاحُوا ذَنْبَهُمُ الَّذِي افْتَرَفُوهُ؛

و همچنین تو ای امیرمؤمنان، همین که قرآن‌ها بالا رفت گفتی: ای ملت شما به آن آزمایش شدید و گرفتار نیرنگ گشته‌اید، اما از خواسته تو سرپیچی کردند و با تو به مخالفت برخاستند و گماشتن دو داور را از تو تقاضا نمودند، تو از تقاضای آنان سرباز زدی و از عمل آنان به سوی خدا بی‌زاری جستی و آنان را به خودشان واگذاشتی، پس زمانی که حق آشکار شد و خطای منکر روشن گشت و به لغزش و انحراف از راه حق اعتراف کردند، پس از آن دچار اختلاف شدند و از روی بی‌خردی تو را مجبور به پذیرفتن حکمیت کردند، حکمیتی که از آن سرباز زدی و آنان می‌خواستند و تو از آن باز داشتی، حلال دانستند گناهانشان را که مرتکب شدند؛

وَ أَنْتَ عَلَى نَهْجِ بَصِيرَةٍ وَ هُدًى، وَ هُمْ عَلَى سُنَنِ ضَلَالَةٍ وَ عَمَى، فَمَا زَالُوا عَلَى النِّفَاقِ مُصِرِّينَ، وَ فِي الْغِيِّ مُتَرَدِّدِينَ، حَتَّى أَذَاقَهُمُ اللَّهُ وَبَالَ أَمْرِهِمْ، فَأَمَاتَ بِسَيْفِكَ مَنْ عَانَكَ فَشَقِيٍّ وَ هَوَى، وَ أَحْيَا بِحُجَّتِكَ مَنْ سَعِدَ فَهَدِيٍّ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ، غَادِيَةً وَ رَائِحَةً، وَ عَاكِفَةً وَ ذَاهِبَةً،

تو بر راه بینایی و هدایت بودی و ایشان بر روش‌های گمراهی و کوری، همچنان بر نفاق اصرار داشتند و در گمراهی سرگردان بودند تا خدا سنگینی کار ناپسندشان را به آنان چشاند و کسی را که با تو دشمنی کرد با

شمشیرت به نابودی کشید، پس بدبخت و نگونسار شد و با حجت تو زنده کرد کسی را که سعادت یافت و راهنمایی شد. درود خدا بر تو باد بامداد و شامگاه، در حضر و در سفر

فَمَا يُحِيطُ الْمَادِحُ وَصَفَكَ، وَ لَا يُحِبُّ الطَّاعِنُ فَضْلَكَ، أَنْتَ أَحْسَنُ الْخَلْقِ عِبَادَةً، وَ أَخْلَصُهُمْ زَهَادَةً، وَ أَذْبَهُمْ عَنِ الدِّينِ، أَقَمْتَ حُدُودَ اللَّهِ بِجُهِدِكَ، وَ فَلَلْتَ عَسَاكِرَ الْمَارِقِينَ بِسَيْفِكَ، تُخِمُّ لَهَبَ الْحُرُوبِ بِبَنَانِكَ، وَ تَهْتِكُ سُتُورَ الشُّبُهَةِ بِبَيَانِكَ، وَ تَكْشِفُ لَبَسَ الْبَاطِلِ عَنِ صَرِيحِ الْحَقِّ، لَا تَأْخُذُكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ،

بر وصف مدح‌کننده‌ای احاطه نکند و عیب‌جویی برتری‌ات را نابود ننماید، تو در عبادت بهترین خلقی و در پارسایی خالص‌ترین آنانی و در دفاع از دین سرسخت‌ترین ایشان، با کوشش حدود خدا را بپا داشتی و با شمشیرت اردوهای خارج از دین را فراری دادی، با سرانگشتانت شعله جنگ‌ها را خاموش ساختی و با بیانت پرده‌های شبهه را دریدی و آمیختگی باطل را از حق صاف و آشکار برطرف کردی، سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای تو را در راه خدا مانع نشد،

وَ فِي مَدْحِ اللَّهِ تَعَالَى لَكَ غِنَى عَنْ مَدْحِ الْمَادِحِينَ، وَ تَقْرِيطِ الْوَاصِفِينَ؛ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ، فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَى نَحْبَهُ، وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ، وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا)؛

مدح خدای تعالی تو را بی‌نیاز کرد از مدح مدّاحان و ستایش وصف‌کنندگان؛ خدای تعالی فرمود: از مؤمنان مردانی هستند که به عهدی که با خداوند [برای ثبات قدم و دفاع از حق تا نثار جان] بسته بودند وفا کردند، برخی از آنان [عهد خود را تا شهیدشدن] به انجام رساندند و بعضی [شهادت را] انتظار می‌برند و به هیچ‌وجه [عهدشان را] تغییر نداده‌اند.

وَ لَمَّا رَأَيْتَ أَنْ قَتَلْتَ النَّاكِثِينَ، وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ، وَ صَدَقَكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ عَدَهُ، فَأَوْفَيْتَ بِعَهْدِهِ، قُلْتَ: أَمَا أَنْ أَنْ تُخْضَبَ هَذِهِ، مِنْ هَذِهِ أَمْ مَتَى يُبْعَثُ أَشْقَاهَا، وَائْتِهَا بِأَنَّكَ عَلَى بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّكَ، وَ بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ، قَادِمٌ عَلَى اللَّهِ، مُسْتَبْشِرٌ بِبَيْعِكَ الَّذِي بَايَعْتَهُ بِهِ، وَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ؛

زمانی که دیدی پیمان‌شکنان و ستمکاران و بیرون‌رفتگان از دین را کشتی و رسول خدا (که درود خدا بر او و خاندانش باد) وعده‌اش را به تو راست گفته بود و تو هم به عهدش وفا کردی، گفتی: آیا وقت آن نرسیده که این

محاسن به خون سر رنگین شود؟ یا چه زمان بدبخت‌ترین این ملت برای این کار برانگیخته می‌شود، اطمینان داشتی به اینکه بر پایه برهانی از پروردگارت و بصیرت از کارت هستی، وارد شونده بارگاه خدایی، شادان به معامله‌ای که انجام دادی و این است آن رستگاری بزرگ؛

اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ أَنْبِيَائِكَ، وَ أَوْصِيَائِهِ أَنْبِيَائِكَ بِجَمِيعِ لَعْنَاتِكَ، وَ أَصْلِحْ لَهُمْ حَرَّ نَارِكَ، وَ الْعَنْ مَنْ غَضَبَ وَ لَيْتَكَ حَقَّهُ، وَ أَنْكَرَ عَهْدَهُ، وَ جَحَدَهُ بَعْدَ الْيَقِينِ، وَ الْإِقْرَارِ بِالْوِلَايَةِ لَهُ يَوْمَ أَكْمَلْتَ لَهُ الدِّينَ؛ اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ ظَلَمَهُ، وَ أَشْيَاعَهُمْ وَ أَنْصَارَهُمْ؛ اللَّهُمَّ الْعَنْ ظَالِمِي الْحُسَيْنِ وَ قَاتِلِيهِ، وَ الْمُتَابِعِينَ عَدُوَّهُ وَ نَاصِرِيهِ، وَ الرَّاضِينَ بِقَتْلِهِ وَ خَاذِلِيهِ لَعْنَا وَبِيلا

؛خدایا کشندگان پیامبران و جانشینان انبیای را به همه لعنت‌های لعنت کن و آنان را ملازم حرارت آتش گردان و لعنت کن کسی را که حق ولیات را غصب کرد و پیمانش را انکار نمود و او را پس از یقین و اقرار به ولایتش روزی که دین را برای او کامل کردی منکر شد، خدایا قاتلان امیرمؤمنان و کسانی که به او ستم کردند و پیروان و یاران آنان را لعنت کن. خدایا ستم‌کنندگان بر حسین را لعنت کن و همچنین قاتلان و پیروی‌کنندگان از دشمنش و یاوران دشمنش و راضیان به قتلش و دریغ‌کنندگان از یاری‌اش، لعنتی شدید و سخت؛

اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوْلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ آلَ مُحَمَّدٍ، وَ مَانِعِيهِمْ حُقُوقَهُمْ؛ اللَّهُمَّ خُصَّ أَوْلَ ظَالِمٍ وَ غَاصِبٍ لِأَلِ مُحَمَّدٍ بِاللَّعْنِ، وَ كُلِّ مُسْتَنَّ بِمَا سَنَّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَ عَلَى عَلِيٍّ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ اجْعَلْنَا بِهِمْ مُتَمَسِّكِينَ، وَ بِوَلَايَتِهِمْ مِنَ الْفَائِزِينَ الْأَمِينِينَ، الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ .

خدایا لعنت کن اول ستمکاری که به خاندان محمد ستم کرد و آنان را از حقوقشان بازداشت، خدایا اول ستمکار و غاصب حق خاندان محمد را به لعنت اختصاص ده و هر پیروی کننده از آنچه او شیوه و روش ساخت تا روز قیامت. خدایا درود فرست بر محمد خاتم پیامبران و بر علی سرور اوصیا و خاندان پاکش و ما را قرار ده از متمسکین به آنان و از کامیابان به ولایتشان و ایمنانی که نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند.

منابع :

بحارالانوار ج ۹۷ صفحه ۳۶۰

مفاتیح الجنان : اعمال ماه ذی الحجّه - زیارت امیر المؤمنین^(ع) در روز غدیر